

The Dominant Discourse of the Educational System and Text Books for Women during Reza Shah Era (In Secondary Schools)

Hassan Zandieh*

Fatemeh Samiee**

Abstract

The formation of modern educational system in Iran brought women to the front of policy making and educational programs for the Pahlavid government. Since the Pahlavid government was supported by the elite and the intellectuals for the modernization of Iran, it considered women as a target of modernization. Therefore, women education became pivotal for the government in its modernization policy. Therefore, the educational approaches for girls, in line with the ideas and purposes of the government were discussed in the schools and a new picture was presented of the ideal woman. The new ideals were based on the discourse of “New Iran”. This discourse meant for women emancipation as a basis of women educational system and was opposed to the traditional role of woman in home and family.

In this study, the approaches, designs and the nature of women’s educational materials are discussed through an interpretive – analytical approach by emphasizing an explanation of the modernization of Iran and the explanation of the policies and educational programs for women.

Keywords: Women Education, New Iran, Modern Woman, Educational Policies, Educational Programs, Reza Shah.

* Assistant Professor of History, University of Tehran (Corresponding Author), zandiyehh@ut.ac.ir

** M.A in History of Islamic Iran history, University of Tehran, fateme.s4890@gmail.com

Date received: 03/03/2023, Date of acceptance: 08/06/2023



گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی زنان در دوره رضاشاه (مقطع دبیرستان)

حسن زندیه*

فاطمه سمیعی**

چکیده

شکل‌گیری نهاد آموزشی مدرن در ایران موجب شد زنان به موضوعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت نوگرای پهلوی تبدیل شوند. از آن‌جاکه دولت پهلوی با حمایت نخبگان و روشن‌فکران با هدف نوسازی ایران تشکیل یافت، از همان ابتدای امر زنان را به‌عنوان یکی از ارکان دستیابی به این هدف موردتوجه قرار داد. در نتیجه، آموزش زنان در صدر برنامه‌های نوسازی دولت قرار گرفت. از این‌رو، رویکردهای آموزشی برای تربیت دختران، هم‌سو با ایده‌ها و اهداف حاکمیت، در مدارس طرح و الگوی جدیدی از زن مطلوب ترسیم شد. سؤال اصلی مقاله این است که برنامه‌های آموزشی زنان در متون درسی عصر رضاشاه از چه رویکرد و ماهیتی برخوردار بوده است؟ طبق یافته‌های پژوهش، ایدئال‌های جدید برای زنان در این دوره مبتنی بر مؤلفه‌ها و معیارهای گفتمان «ایران نو» بود. در منظومهٔ چنین گفتمانی، مفهوم «آزادسازی زنان» به‌عنوان شالودهٔ اصلی برنامه‌های آموزشی زنان شکل گرفت که در پیوست نقش‌های سنتی زن و در محدودهٔ خانه و خانواده تعریف می‌گردید. از این‌رو، تحقیق حاضر با هدف توضیح چگونگی هویت‌یابی زن مدرن در جریان مدرنیزاسیون ایران و تبیین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی زنان و کارکردهای نوین آن در این فرایند، با روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب مفهوم سنتی پیوستگاری در تاریخ، مسئلهٔ آموزش زنان را موردبررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش زنان، ایران نو، زن مدرن، سیاست‌های آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، رضاشاه.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)، Zandiyehh@ut.ac.ir

** کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، fateme.s4890@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴



۱. مقدمه

۱.۱ بیان مسئله

توجه به آموزش نوین زنان و مسئله تعلیم و تربیت آنان در ایران با تشکیل دولت پهلوی در ۱۳۰۴ ش هم‌زمان شد. گرچه در آستانه نهضت مشروطیت و در جریان آن نگاه انتقادی به وجوه مختلف زندگی زنان، خصوصاً مسئله آموزش آنان، توسط نخبگان و روشن‌فکران مطرح شده بود، نابه‌سامانی‌ها و مشکلات عدیده‌ای که پیش‌روی مشروطه‌خواهان قرار گرفت، مانع از ایجاد نهاد آموزشی مدرن در ایران و شکل‌گیری رسمی آموزش نوین زنان شد.

دولت پهلوی در شرایطی بر مسند قدرت تکیه کرد که دست‌یابی به «ایران نو» تنها گفتمان مسلط و یگانه راه نجات به‌سوی ترقی و پیشرفت محسوب می‌شد. این گفتمان نقطه تمرکز آمال و آرزوهای نخبگان و روشن‌فکران بود که در دستگاه مفاهیم اندیشه تجدید تعریف و مفصل‌بندی گردید. در نتیجه، برنامه‌های نوسازانه رضاشاه، که همراه با رویکردهای غرب‌گرایانه بود، از همان ابتدا اصلاحات آموزشی را مورد توجه قرار داد. این مسئله نهاد آموزش در ایران را دچار دگرگونی کرد. زنان از ارکان اصلی و لازم برای رشد و ترقی کشور قلمداد گردیدند و خوش‌بختی ملت ایران در گرو تربیت آنان دانسته شد. به این ترتیب، زنان به موضوعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل شدند. از این‌رو، وضع زنان به‌لحاظ ظاهری، آموزشی، اجتماعی، و فرهنگی مورد نقد و بازبینی قرار گرفت.

در دوران رضاشاه محور اصلی و عمده مباحث آموزشی زنان در کتاب‌های درسی رویکرد توجه و برجسته‌سازی نقش زن به‌مثابه همسر، مادر، و مربی فرزندان مملکت (نقش نسل‌سازی زنان)، ایجاد و تقویت روحیه میهن‌پرستی، و خدمت به میهن داشت. زن «مدرن» و «امروزی» به‌عنوان «زن ایدئال» وجه تسمیه طرح‌های آموزشی بود که در کتاب‌های درسی تعریف می‌شد. بازتعریف «زن ایدئال» مبتنی بر اندیشه «آزادسازی زنان» بود که در پیوست نقش‌های سستی زنان قرار داشت. این مفاهیم جدید محور اصلی و کانونی سرفصل‌های آموزشی دختران در کتاب‌های درسی را شکل می‌داد که شامل آموزش‌هایی درباره کمک به اقتصاد خانواده و کشور، بچه‌داری، شوهرداری، خانه‌داری، خیاطی، و آش‌پزی همراه با رویکردی علمی طرح‌ریزی می‌شد.

با مبنا قراردادن این آگاهی تاریخی، مقاله حاضر در تلاش است تا رویکرد و ماهیت برنامه‌های آموزشی زنان در کتاب‌های درسی قرائت فارسی و خانه‌داری مقطع متوسطه دوره رضاشاه را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به نقش مهم زنان در خانواده‌ها و تربیت فرزندان،

بررسی رویکردهای آموزشی زنان در بازشناسی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، و هویتی آنان در پروژه‌نوسازی ایران که در قالب مادر، همسر، و زن مدرن و امروزی تعریف شده بود، حائز اهمیت است. این پرسش که متون درسی و برنامه‌های آموزشی دختران و زنان در عصر رضاشاه از چه ماهیت، رویکرد، و ویژگی‌هایی برخوردار بوده، کم‌تر توسط پژوهش‌گران تاریخ معاصر ایران موردتوجه قرار گرفته است.

۲.۱ روش تحقیق

هدف پژوهش بازنمایی برنامه‌های آموزشی زنان در مدارس دوره رضاشاه از طریق ارائه صورت‌بندی منظم و تاحد امکان پرباری از منابع دست‌اول است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی خواهد بود و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. برای این منظور هم تبیین‌های صورت‌گرفته مبتنی بر مفهوم پیوستگاری در تاریخ، یعنی تبیین یک روی‌داد از طریق شناسایی روابط درونی آن روی‌داد با روی‌دادهای دیگر و قراردادن آن در بستر تاریخی، بررسی گردید. چنین تبیینی به این باور بستگی دارد که روی‌دادهای موردبررسی بخشی از یک تحول کلی موجود در همان زمان قلمداد گردد (استنفورد ۱۳۸۲: ۱۴۰). ازاین‌رو، سعی شده است تا غایت و هدف سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی زنان، انگیزه‌های مرتبط با آن، کنش سیاست‌گذاران آموزشی، و بستری که این برنامه‌ها در آن طرح و اجرا شدند، ارزیابی شوند و همه روی‌دادها و شرایط هم‌زمان با آن و همه روی‌دادها و شرایط مرتبط قبل و بعد از آن موردتوجه قرار گیرند.

۳.۱ پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه تحقیق حاضر مقاله «مادری جدید و آموزش زنان در عصر رضاشاه» است (حسینی ۱۴۰۰). این تحقیق، با استفاده از تحلیل جنسیت و رویکردی فمینیستی، سیر برساخته‌شدن مفهوم مادری جدید را بررسی می‌کند. ایده اصلی پژوهش این است که این مفهوم چگونه آموزش زنان را به ضرورت تبدیل کرد و این آموزش از حیث کمی و کیفی چگونه از ایده مادری جدید تأثیر پذیرفت؟ طبق تحلیل نویسنده، بسط تعریفی خاص از زن، به‌مثابه تربیت‌کننده نسل‌های آینده کشور، سبب ظهور ایده مادر-مربی و زن تحصیل‌کرده خانه‌دار شد. ازاین‌رو، باوجود رشد کمی آموزش زنان، ازآن‌جاکه این آموزش به‌شدت ایدئولوژیک و در پیوند با نوعی پدرسالاری مدرن بود، ایده مادری جدید به‌مثابه یک

راهبرد قلمداد گردید و نتوانست نظم اجتماعی مبتنی بر فرودستی زنان را متحول کند و زمینه‌های ورود زنان تحصیل کرده به جامعه و مشاغل حرفه‌ای را فراهم سازد. نظام آموزشی، درکنار سایر کانون‌های فرهنگی، صرفاً مسئول تربیت مادر و همسری بود که نگهبان ارزش‌های ملی و محافظ ارزش‌های خانواده ایرانی باشد و آموزش این مسئله که درنهایت بهترین کار برای زنان مادری و ازدواج است.

از دیگر پژوهش‌های این حوزه کتاب *مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول* است (حامدی ۱۳۹۳). طبق تحلیل کتاب، ناسیونالیسم و مدرنیزاسیون عصر پهلوی به‌عنوان مهم‌ترین ارکان ایدئولوژی حاکمیت در پیوند تنگاتنگی با مؤلفه‌های باستان‌گرایی، میهن‌دوستی، و شاه‌پرستی قرار گرفتند. ازاین‌رو، این مؤلفه‌ها بیش‌ترین تأثیر را در محتوای کتاب‌های درسی گذاشتند و این کتب بازتاب ایدئولوژی حکومت در قالب‌های مذکور شدند. طبق تحلیل نویسنده، این سه گفتمان مهم‌ترین محورهای کتاب‌های درسی عصر رضاشاه را تشکیل می‌دادند، به‌طوری‌که کتاب‌های درسی این دوره به *شاهنامه* و کتاب‌های حماسی تبدیل شده بودند.

کتاب *تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران (۱۲۸۵-۱۳۳۰ ش)* (میرهادی ۱۳۹۳) به بررسی تأثیر گسترش مدارس دخترانه در حضور و فعالیت اجتماعی و فرهنگی زنان ایران از جنبش مشروطه‌خواهی تا پایان دوره سلطنت رضاشاه می‌پردازد. طبق ارزیابی نویسنده، برنامه‌های آموزشی زنان در عصر پسامشروطه و رضاشاه تثبیت و تضييع حقوق زنان از طریق ساختارهای حکومت مدرن و متمرکز بود، گرچه حضور اجتماعی زنان در این دوره افزایش یافت، دستاورد چندانی برای زنان نداشت؛ چراکه زنان به‌علت ساختارهای سستی جامعه و نظام مردسالار حاکم بر آن نتوانستند چندان جای پای در حوزه عمومی بیابند و حقوق سیاسی-اجتماعی کسب کنند. وی در ادامه تحلیل می‌کند که رویکردهای آمرانه در دوره پهلوی اول سبب شد توسعه اجتماعی زنان باوجود رشد کمی از نظر کیفی تقلیل یابد. فعالان زن و تشکل‌های زنان تحت کنترل و اطاعت حکومت درآمدند یا به‌طور کلی حذف شدند. آموزش زنان در این دوره به حوزه خصوصی خانه و خانواده محدود بود و هم‌چنان بر نقش‌های سنتی زن تأکید می‌کرد. ازطرفی، کشف حجاب اجباری بخش قابل‌توجهی از زنان را از حضور در اجتماع و آموزش بازداشت. بدین ترتیب، افزایش مدارس دخترانه گرچه باعث افزایش حضور اجتماعی زنان در عصر رضاشاه شد، این حضور محدود و محصور در ایده‌ها و اهداف حکومت بود.

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۶۱

در این پژوهش‌ها مبانی و رویکردی که نظام آموزشی جدید ایران برطبق آن تنظیم، برنامه‌ریزی، و هدف‌گذاری شد، موردتوجه نبوده است. ازاین‌رو، مسئله آموزش زنان، اهداف و ایده‌های نظام آموزشی از زن مطلوب، چالش‌های برنامه‌ریزان آموزشی در این زمینه، و تحولات گفتمانی آن موردتوجه تحقیق حاضرند.

۲. مؤلفه‌های نظام آموزشی عصر رضاشاه

احیای ساختار سیاسی کشور پس از مشروطیت هم‌راه با موج دوم ملی‌گرایی در ایران بود. این موج ملی‌گرایی به یک «ایدئولوژی سیاسی» تبدیل شد که جز در دستگاه مفاهیم اندیشه تجدید فهمیده و توضیح داده نمی‌شد (طباطبایی ۱۳۹۹: ۷۵). تجددگرایان بر این باور بودند که تنها از طریق ایجاد دولتی مقتدر، متمرکز، و نوگرا می‌توان به نوسازی ایران پرداخت. امروزی‌سازی هدف اصلی این پروژه بود. ازاین‌رو، تجددگرایی غرب‌گرا روح حاکم بر پروژه نوسازی ایران در عصر پهلوی را شکل می‌داد. مرام حاکم بر این مدرنیزاسیون ملی‌گرایی مبتنی بر گفتمان باستان‌گرایی بود. ازطرفی، عرفی‌شدن جامعه، سیاست، فرهنگ، و خارج‌ساختن اجتماع از سیطره باورها و ارزش‌های دینی نیز به ارزش‌های اساسی برنامه‌ریزان پروژه نوسازی ایران تبدیل گردید (اکبری ۱۳۹۳: ۱۷۹-۲۶۴).

باستان‌گرایی، به‌هم‌راه شاه‌پرستی و میهن‌دوستی، مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان ایران نو را شکل می‌دادند. گفتمان باستان‌گرایی که از دوره قاجار در آثار برخی از روشن‌فکران و تجددطلبان انعکاس یافته بود، در پیوست گفتمان ایران نو قرار گرفت. این گفتمان افول و عقب‌افتادگی ایران را ناشی از حمله اعراب و سقوط امپراتوری ساسانی و آموزه‌های دین اسلام می‌دانست. در این گفتمان هرآنچه متعلق به دوران باستان ایران و نژاد آریایی بود، رنگی از شکوه و پیشرفت داشت و حتی مدرنیته غربی نیز به‌نوعی ملهم از شکوه و تمدن ایران عصر باستان عنوان می‌شد (بیگدلو ۱۳۸۰: ۴۳ به بعد). شاه‌پرستی از مبانی اصلی گفتمان نظام پادشاهی در ایران بود؛ نظامی که مهم‌ترین دستاورد نهادسازی سیاسی ایرانیان و مبتنی بر اشرافیت و نخبه‌سالاری سنتی ایرانی است. طبق این گفتمان، نهاد پادشاهی موجب حفظ و قوام ایران‌زمین (وحدت سرزمینی و آگاهی ملی) درطول هزاره‌ها شده بود (فرهودی ۱۳۱۹: ۳-۴؛ طباطبایی ۱۳۸۳: ۸۶).

با ضرورت‌یافتن نوسازی و نوگرایی در تمامی وجوه ساختار مملکتی ایران، مفهوم آزادسازی زنان به‌عنوان دال مرکزی گفتمان نوگرایی در مسئله زنان و یکی از ارکان اصلی آن

موردتوجه قرار گرفت. شکل گیری این مفهوم به روی داد اعلام رسمی رفع حجاب در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ ش معطوف بود که به مجموعه اقدامات حکومت در جهت «مبارزه با سنت های دست و پاگیر»، «تحصیل زنان»، و «آزادکردن نیمی از اجتماع در بند کشیده شده جامعه به صحنه فعالیت های اجتماعی که تا آن زمان به صورت بانوان حرم و زنان اندرون، عاطل و باطل روزگار می گذرانیدند»، گفته می شد (بولتن هفتگی سازمان زنان ایران/ ۲۵۳۶: ش ۱، ۴۸۸). از این رو، در فضای گفتمانی نوگرایی، که تنها با مفاهیم تجدد تعریف می شد، آزادی زنان با عناصری چون ملی گرایی، غرب گرایی، و عرفی گرایی تعریف و تنظیم گردید. به این منظور، فراگیری فنون مادری، همسری، و به طور کلی خانه داری جدید همراه با رویکرد علم مدرن برای تربیت زن مطلوب در جهت ایجاد ساختار نوین ایران لازم دانسته شد.

۱.۲ شکل گیری مفهوم مادر، همسر، و زن مدرن

بدین ترتیب، زن در دوره باستان و ادبیات حماسی الگوی مطلوب حکومت و شاهی بر دگرگون پذیر بودن وضع زنان در گذشته ایران بود که به عنوان اهرمی برای تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی آنان در جامعه مورداستفاده قرار گرفت. در این دوره، به کاوش های باستان شناسی و کتیبه های باستانی برای نشان دادن جایگاه والای زنان در اجتماع گذشته ایران توجه بسیار شد. به دنبال آن، یکی از ویژگی های بارز زنان در عصر باستان شاه پرستی و میهن پرستی بیان شد:

عشق دیگری که آتش آن در کانون دل زن ایرانی فروزان بوده، عشق به شاه و میهن است. دلاوری های گردآفرید در صحنه پیکار با دشمن نشانه های نمایانی از عشق زن به میهن و شاه و حفظ وطن از دست برد بیگانگان و نجات شاه از دام دشمنان بوده است ... هرگاه که حدود و ثغور کشور دچار خطر می گشت، زن ایران باستان، شوی و فرزند خویش را به پیکار برای حفظ میهن تشویق و تحریص می کرد و چه بسا خود دوشادوش ایشان پیکار می نمود (پارسای ۱۳۴۶: ۱۰۷-۱۰۹).

به همین جهت، در این دوره به اصلاحات اجتماعی و فرهنگی توجه خاصی شد؛ «ایجاد حس وحدت در میان ایرانیان»، «ایجاد روح میهن پرستی»، و «استحکام مبانی ملیت ایران» به طور گسترده در محور برنامه ها و سیاست های فرهنگی حکومت قرار گرفت (نفیسی بی تا: ۷۳-۸۶؛ صفایی ۲۵۳۵: ۵۸).

فرایند نوسازی در ایران از همان ابتدا با توجه به نیاز کشور به اخذ علوم و فنون جدید و تربیت نیروی کارآمد با غربی سازی پیوند خورد. الگوی مطلوب حکومت فرهنگ و مدنیت

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۶۳

غرب بود. از این رو، همواره مدرن‌سازی غربی‌سازی را تداعی می‌کرد (رینگر ۱۳۸۱: ۲۴). عرفی‌سازی و غربی‌سازی دو مؤلفه اصلی برای شکل‌گیری این فرایند بودند که در این دوران با گرایش‌های میهن‌پرستانه برای ایجاد یک دولت-ملت مدرن، یک‌پارچه، و متمرکز همراه شدند. برای تحقق این هدف، یک نظام آموزشی مدرن نیاز اولیه و حیاتی بود. رضاشاه، که در آرزوی ایجاد یک ایران نوین هم‌سو با پیشرفت‌های روز دنیا بود، تغییر در طرز فکر مردم، ایجاد آگاهی ملی، وفاداری به شاه، و میهن‌پرستی را لازمه تحقق این هدف می‌دانست (گنجی بی‌تا: ۱۴-۱۵). وی بر این باور بود که بدون به‌وجودآوردن فرهنگ و بدون باسوادکردن مردم نمی‌توان انتظار چندانی برای ایجاد تغییرات اساسی در کشور داشت و مبارزه با فقر و جهالت و تعمیم فرهنگ و سواد را از اهداف مقدس و عالی کشور می‌دانست (پهلوی بی‌تا: ۲-۲۴). در نتیجه، حکومت قاطعانه آموزش و پرورش را هدف اصلی قرار داد. غربی‌سازی، به مثابه تنها الگوی ترقی، به همراه دولت متمرکزی که مدارس را ایجاد، اداره، و معلمان را استخدام می‌کرد و قواعد و مقررات را تنظیم و سرفصل‌های آموزشی و متون درسی را تدوین می‌کرد، برای ایجاد یک نظام آموزشی کارآمد در نظر گرفته شد (صدیق ۱۳۹۷: ۶۹). آموزش اصول اخلاقی، ایجاد آگاهی تاریخی از دستاوردهای بزرگ این تبار، و هم‌بستگی ملی از طریق ارج‌گذاری به فرهنگ عمومی و میراث معنوی ایران از ضروریات آموزشی این نظام تعیین گردید (همان: ۱۲۹-۱۳۰).

در ادامه، حتی مستشاران خارجی وزرات معارف نیز چنین سیاستی را در پیش گرفتند. آندره هس، معلم فرانسوی حقوق وزارت امور خارجه و مشاور وزارت معارف در سال ۱۳۰۴ ش، با ارائه گزارشی به لزوم ایجاد یک نظام آموزشی واحد و سراسری برای به‌وجودآوردن هویت و وحدت در ذهن شهروندان و افزایش روحیه میهن‌پرستی و جان‌فشانی برای مسئولیت‌های ملی تأکید ورزید (ماهنامه تعلیم و تربیت ۱۳۰۴: ش ۲، ۱۳-۱۹).

قدرت اجرایی نیرومند دولت آموزش زنان را دگرگون کرد؛ زیرا اهداف اصلی دولت پهلوی برای ایجاد ساختار نوین ایران بستگی زیادی به تحول اوضاع زنان داشت و این امر جز با سامان‌دادن به آموزش زنان میسر نمی‌شد. در این چهارچوب بود که الگوهای جدیدی از نقش‌ها و وظایف زن شکل گرفت. مفهوم مادر، همسر، و زن مدرن یا امروزی شالوده اصلی رویکردها و برنامه‌های آموزشی زنان در این دوران را شکل می‌داد که در تقابل و انزجار روشن‌فکران عصر مشروطه نسبت به جهل، بی‌سوادی، خرافات، و به‌طور کلی خاموشی و نامرئی‌بودن نیمی از جمعیت کشور شکل گرفته بود. آنان بر این باور بودند که عقب‌ماندگی زن ایرانی از عوامل اصلی انحطاط جامعه ایران است. از این رو، دستیابی به ایرانی نو در وهله اول

نیازمند تعلیم و تربیت زنان بود تا با تربیت اصولی و صحیح فرزندان و آگاهی از نکات و فنون جدید خانه‌داری در بهبود شرایط فرهنگی، اقتصادی، و آموزشی خانواده‌ها تلاش کنند و بدین ترتیب در شکل‌گیری این ساختار نو، که مبتنی بر سه شاخصه مدرنیسم، ناسیونالیسم، و سکولاریسم تعریف شده بود، برای دستیابی به دولت، ملت، و جامعه‌ای متحد و مدرن شرکت کنند. همان‌طور که رضاشاه در جریان برنامه‌ریزی برای مقدمات اعلام رسمی رفع حجاب به محمود جم، نخست‌وزیر، درباره اهمیت تحول در نقش سستی زنان گفته بود:

... اصلاً سرباز خوب و مهندس خوب و معلم تحصیل‌کرده خوب باید در دامن زن پرورش پیدا کند. حالا اگر این زن اُمل و بی‌سواد و محبوس باشد، چه‌طور می‌توان نسل خوب و شایسته‌ای برای مملکت پرورش دهد؟ (بولتن هفتگی سازمان زنان ایران ۲۵۳۶: ۴۸۸، ۱ مکرر)

۳. آموزش زنان از نگاه سیاست‌گذاران عصر رضاشاه

تربیت زن و ترقی دادن افکار طبقه زنان چکیده سیاست‌های آموزشی زنان در عصر رضاشاه را شکل می‌داد (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۵: ش ۱، ۴). تربیت زنان برای مشارکت در ایدئال‌ها و آرمان‌های ملت ایران تا به‌عنوان مادرانی ارزشمند قادر باشند نسلی نو را پرورش دهند (صدیق ۱۳۹۷: ۱۲۹). پرورش نسل نو نیازمند تربیت دختران و زنانی مدرن و امروزی بود. بدین منظور، تعلیم و تربیت زنان در اروپا و ایران عصر باستان به‌عنوان الگوی نمونه مطرح می‌شد. تساوی زن و مرد، مشارکت اجتماعی زنان، و معاشرت آنان با مردان به‌عنوان تنها راه نجات از بی‌سوادی، جهل زنان، و در نتیجه فلاکت جامعه قلمداد می‌گردید (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۴: ش ۹ و ۱۰، ۵۲۰-۵۲۱).

در این زمان، هنگامی که مسائل آموزشی زنان مطرح می‌شد، همواره هدف تأکید بر مشارکت آنان در پیش‌برد برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور بود، اما این مهم از آن‌چه در هدف‌های نظام نوین آموزشی تعیین شده بود، متفاوت تعریف می‌شد. در مرحله نخستین از تجدید سازمان مملکتی پس از مشروطیت، وجود کارمندان تحصیل‌کرده‌ای که بتوانند چرخ‌های نوین کشور را بگردانند، ضرورت داشت. هدف نظام آموزشی در این دوره بیش‌تر تأمین کارکنان اداری و تربیت افرادی بود که جای‌گزین دیوانیان و مستوفیان قدیم گردند. از آن‌جاکه هنوز اساس اقتصاد ایران بر کشاورزی استوار و صنایع جدید تنها در چند رشته محدود ظهور و پیشرفت پیدا کرده بود، پرورش کارمند برای ادارات و وزارت‌خانه‌های جدیدالتأسیس مهم‌ترین

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۶۵

احتیاج روز از حیث نیروی انسانی محسوب می‌شد (مجموعه طرح‌های جدید آموزش و پرورش کشور ۱۳۴۶: ۱).

با این همه، درباره هدف‌های آموزشی زنان دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشت. برخی هم‌چنان بر نقش‌های سنتی زن و جایگاه او در جامعه تأکید می‌ورزیدند. حامیان این دیدگاه هدف خطیر در آموزش زنان را صرفاً برای تربیت همسر و مادر خوب و از همه مهم‌تر، پرورش فرزندان شایسته برای یک ایران نوین می‌دانستند. حامیان این دیدگاه شغل طبیعی زن را همان تکالیف زناشویی و مادری بیان می‌کردند. از این رو، آموزش دروسی هم‌چون ریاضی، جغرافی، و ... به دختران را کاری بیهوده و عبث می‌پنداشتند و بر این باور بودند که به جای آن باید به زنان اصول خانه‌داری، شوهرداری، و پرورش فرزند با رویکردی علمی و مدرن آموزش داده شود (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۴: ش ۹ و ۱۰، ۵۲۳؛ بامداد بی‌تا: ۱۱۹-۱۲۳؛ مناشری ۱۳۹۷: ۱۶۹).
مهرانگیز دولت‌شاهی درباره برنامه تحصیلی دبیرستان‌های دخترانه در زمان رضاشاه می‌گوید:

... دیگر آن وقت‌ها دیپلم مدرسه را دخترها سال یازدهم می‌گرفتند. اصلاً ما کلاس دوازدهم نداشتیم. برنامه مدرسه دخترانه سبک‌تر بود، طوری که من خاطرم هست، ریاضی ما در کلاس یازدهم به اندازه ریاضی پسرها در کلاس نهم بود. البته یک مقدار روان‌شناسی و تربیت بچه و تدبیر منزل و خیاطی و این جور چیزها هم در برنامه بود. از آن طرف، ریاضی و فیزیک و شیمی کم‌تر بود ... (خاطرات مهرانگیز دولت‌شاهی ۱۳۹۰: ۲۱).

میان سیاست‌گذاران برنامه‌های آموزشی زنان درباره وظیفه اصلی زن، که همانا مادری و شوهرداری بود، اختلاف نظری وجود نداشت، اما با توجه به تغییر شرایط سیاسی و تشخیص اهمیت یک توسعه اقتصادی گسترده، ایدئال‌های آموزشی جدید ضرورت یافت. از این رو، در این ایدئال جدید، زن را عضو مؤثر جامعه و میهن قلمداد کردند و علم تربیت را ناچار به یافتن راهی برای سازش میان تکالیف اجتماعی و خانوادگی زنان دانستند (بامداد بی‌تا: ۲۰، ۱۲۱).

هاجر تربیت، از رؤسای کانون بانوان و از بنیان آموزشی زنان در این عصر، درباره تدوین مواد درسی دبیرستان‌های دخترانه در یکی از نشست‌های کانون بر لزوم حرفه‌ای شدن دوره دوم دبیرستان‌های دخترانه تأکید کرده است و رشته‌های خیاطی، نقاشی، پرستاری، و مامایی را در اولویت اشتغال زنان دانست (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۴: ش ۵ و ۶، ۳۴۶).

پس از اعلان رسمی رفع حجاب، اولین جلسه شورای عالی معارف برای رسیدگی و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی مدارس دخترانه در تاریخ چهارم اسفندماه ۱۳۱۵ ش تشکیل شد. در این جلسه برای پیشرفت و تربیت زنان مواردی به این قرار پیش‌نهاد گردید:

تدوین و طبع کتاب مخصوص در آداب معاشرت نسوان و تدوین کتب سهل و آسان و مصور در امور خانه‌داری؛ ترویج کارهای حرفه‌ای [ای] بین نسوان؛ تشکیل اداره تربیت‌بدنی مستقل برای نسوان به‌توسط اعضای متخصص تا از روی اصول و اساس صحیح، امور پیشاهنگی، و ورزش دختران و زنان اداره شود. تدوین کتاب ورزش که محتوای عملیات و دستورهای ورزش، متناسب با حال و وضعیت نسوان و دختران باشد؛ تنظیم و تدوین برنامه مخصوص با ضمیمه نمودن امور خانه‌داری با طبخ و غیره جهت محصلات ۵ و ۶ دبستان‌ها؛ تأسیس کانون بانوان در ایالات و ولایات، مرکب از آموزگاران و دبیران مدارس نسوان، تحت نظر و مسئولیت مستقیم رؤسای معارف هر محل؛ کانون مذکور، نسبت به تربیت اکابر نسوان و انتشار افکار صحیح و آداب و رسوم چنان‌که نزد ملل متمدنه معمول است، از خانم‌های ولایات قصبات کشور تشکیل خواهد شد (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۵: ش ۱، ۱۸-۱۹).

در نتیجه جلسه شورای عالی فرهنگ برای دبیرستان‌های دخترانه در سال ۱۳۱۸ ش، برنامه جدیدی تصویب شد. به موجب این برنامه، تحصیلات سه ساله نخست دبیرستان‌های دخترانه مانند پسران بود با این تفاوت که اندکی از ساعت‌های ورزش و رسم و خط دختران صرف آموختن خانه‌داری و خیاطی می‌شد. پس از اتمام این سه سال عده‌ای از دختران به آموزشگاه‌های فنی چون دانش‌سرای مقدماتی و مدرسه پرستاری و پزشکیاری می‌رفتند. دخترانی که به ورود به دانشگاه تمایل داشتند، باید همان تحصیلات پسران را طی دو سال دنبال می‌کردند که شامل مواد درسی فارسی، زبان خارجه، اخلاق و آداب معاشرت، فیزیک، شیمی، علوم طبیعی، بچه‌داری، روان‌شناسی، پرستاری، خانه‌داری، دزی‌گری، کارهای دستی، نقاشی، موسیقی، آش‌پزی، و ورزش بود. فارغ‌التحصیل‌های این‌گونه دبیرستان‌ها پس از یک سال تحصیل در کلاس خانه‌داری، که از ۱۳۱۸ ش در دانش‌سرای عالی تشکیل یافته بود، می‌توانستند به رشته عالی خانه‌داری وارد شوند (صدیق ۱۳۱۹: ۳۹۰).

مسئله آموزش زنان در این دوران به موضوعی اساسی و حیاتی در کشور تبدیل گردید و علاوه بر نشریه‌های متعلق به زنان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، مورد توجه دیگر فعالان عرصه فرهنگ نیز بود. از طرفی، سعی بر این بود با چاپ مقاله‌هایی اهمیت و ضرورت تربیت دختران، به‌عنوان مادران فردا و مهم‌ترین پرورش‌دهندگان نسل‌ها، را در ترقی و سعادت جامعه تبیین کنند (روزنامه اطلاعات ۱۳۰۷: ش ۳، ۵۲۳). از همین‌رو، اگر به تعلیم و تربیت دختران توجه نمی‌شد، گویی که فرزندان مملکت تربیت نمی‌شدند و «زحمات دولت و ملت در تأسیس مدارس هدر» می‌رفت (همان: ش ۲، ۵۲۷) و مهم‌تر از همه این‌ها، مردان را از فواید

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۶۷

پر شمار زن فرهیخته در روابط زناشویی آگاه می‌کردند؛ زیرا زن آگاه از علوم و فنون، صنایع ظریفه، قواعد نظافت، آش‌پزی، و خیاطی می‌توانست بهتر و شیرین‌تر با شوهر خود مصاحبت کند و «رفیق جانی او شود ... و فکر و روح و قلب و ذوق زن و مرد ... به هم نزدیک شوند ... [و به این ترتیب] دو تن در یک تن» شوند (همان: ش ۳، ۵۴۳).

به نظر می‌رسد بخشی از سیاست‌های آموزشی زنان از کشورهای غربی اقتباس شده بود؛ همان‌طور که در اروپا و آمریکا نیز مدارس ویژه خانه‌داری وجود داشت و بخش مهمی از دروس دختران شامل مباحثی نظیر پرورش کودک، پرستاری مریض، قوانین بهداشت خانه و اطفال، مُد، چیدمان منزل، خیاطی، آداب مادری و شوهرداری، و مختصری حقوق زنان در ازدواج و میراث می‌شد (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۵: ش ۱۲، ۸۶۷) و «کدبانوی خوب، مادر دانا، پیشه‌ور لایق، کارگر کاردان، آموزگار آزموده، مدیر مدبر و دانشمند در امور» از دیگر ویژگی‌های مباحث تربیتی دختران در اروپا بودند که دختران را تشویق می‌کردند «با کار و فعالیت خود [سبب] ازدیاد محصول کشور» شوند و کمک و یاری به برادر و شوهر کنند. از طرفی، اداره خانه و کارها را از راه صرفه‌جویی و تدبیر بدانند (همان: ۸۶۴). وجود مراکز و مدارس پیشرفته خانه‌داری و تدبیر منزل در اروپا و آمریکا، که با آخرین علم روز فنون مربوط به خانه، نظافت، بچه‌داری، و طبخ غذا را به دختران آموزش می‌دادند، مؤید این امر است (ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۳: ش ۶، ۳۶۶؛ ۳۶۸؛ ماه‌نامه تعلیم و تربیت ۱۳۱۴: ش ۵ و ۶، ۲۶۹-۲۷۰).

۴. طرح‌های آموزشی برای دختران در کتاب‌های درسی

از آن‌جاکه فقط پس از سال ۱۳۱۷ ش کتاب‌های یک‌دست و هماهنگ از سوی وزارت فرهنگ برای مقطع دبیرستان تألیف و چاپ شدند، کتاب‌های درسی که پیش‌ازاین در دبیرستان‌ها تدریس می‌شدند، کتاب‌های تألیفی دوره قاجار بودند یا توسط نویسندگان مستقل در این زمان تألیف می‌شدند، آشفتگی‌های زیادی در کتاب‌های دبیرستانی وجود داشت و چندان مرزبندی مشخصی بین دروس و دوره‌های متوسطه وجود نداشت. بسیاری از دروس حوزه علوم انسانی در این زمان کتاب مشخصی نداشتند و به جای آن قطعاتی از نظم‌ونثر بزرگان ادب ایران به صورت کتابچه‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت.

در سال ۱۳۰۷ ش، برنامه درسی یک‌پارچه جدیدی برای دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه از روی الگوی لیسه فرانسه و اوبرنالشوله آلمان تهیه شد. این برنامه شامل سی ساعت آموزش در هفته بود که یک دوره پنج ساله برای دختران داشت. در سه سال نخست دوره اول برنامه

آموزشی برای دختران و پسران مشترک بود، با این تفاوت که دختران آموزش خیاطی و خانه‌داری نیز می‌دیدند و دو سال دوم برای دختران (برای پسران سه سال بود) به دوره دوم موسوم بود که دو دوره آموزشی هم‌سو داشت: عمومی و تربیت معلم. دختران دو انتخاب داشتند برای این که وارد دوره دوم شوند، دبیری یا رشته فرهنگ عمومی را، که منتهی به مدرسهٔ مامایی می‌شد، می‌گذرانیدند. دروس دوره دوم متوسطه دختران، افزون‌بر واحد فارسی، عربی، تاریخ، جغرافیا، جبر، هندسه، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، شامل دروس خیاطی، خوش‌نویسی، و تربیت‌بدنی نیز می‌شد (صدیق ۱۳۹۷: ۹۹-۱۰۸).

۱.۴ قرائت فارسی

رویکرد کتاب‌های فارسی به زن و جایگاهی که زنان به‌عنوان موضوع درسی موردتوجه قرار گرفته‌اند، «مادر» بودن است، هرچند حجم درس‌هایی که به موضوع زن به‌مثابه «مادر ایدئال» اختصاص یافته، نسبت به سایر موضوعات بسیار کم‌تر بود. در کتاب فارسی دوره اول و دوم دبیرستان سرفصل‌هایی با محوریت مادر، لزوم احترام به او به‌دلیل رنج و محنتی که در پرورش فرزندان متحمل می‌شود، و نقش مهم وی در پرورش فرزندان فصولی را به خود اختصاص داده بود؛ «به پاس دل مادر»، «حق‌گذاری پدر و مادر»، «احترام خانواده»، و «جوان نافرمان و مادرش» با مضمونی پندگونه دانش‌آموزان را از عقوبت نافرمانی از راه‌نمایی‌های مادر آگاه می‌سازد و سرفصل‌هایی نظیر «وظایف ما نسبت به پدر و مادر» و «نتیجه بدی و بی‌وفایی با مادر» شامل توصیه‌هایی در جهت احترام، اطاعت، و یاری پدر و مادر به دانش‌آموزان بود (فارسی؛ سال اول دبیرستان ۱۳۱۸: ۸، ۸۲، ۲۵۷؛ فارسی؛ سال دوم دبیرستان ۱۳۱۹: ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۸۱).

در درس جالب‌توجهی به‌نام «مادر واشنگتن»، که تا دهه ۱۳۵۰ پیوسته در کتاب‌های فارسی تکرار شده است، مادر جورج واشنگتن، اولین رئیس‌جمهور ایالات متحد آمریکا، برای دختران الگو قرار گرفته بود. «مادر واشنگتن» نخستین درسی است که برای دختران الگوی «مادر ایدئال» را با شرح و بسط فراوان ترسیم می‌کرد. مادر نمونه‌ای که میهن‌پرستی بزرگ‌ترین جلوه اوست که در صورت لزوم، مهر مادری را کنار می‌گذارد و فرزندان خویش را در راه آرمان‌های میهن فدا می‌کند؛ زنی شجاع و قوی‌دل که فرزندان دلیر و بامسئولیت تحویل جامعه می‌دهد و به این ترتیب وظیفه‌ای را که در برابر «میهن محبوب خویش» دارد، ادا می‌کند؛

این زن که در جوانی بیوه شده بود، تمام هم‌خود را صرف تربیت اولادش کرده و مخصوصاً در پرورش ژرژ واشنگتن اهتمام خاص به‌خرج داده بود. این بانو فعالیت و

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۶۹

ملایمت، حدت، و بشاشت را در طبع خویش جمع داشت و رفته رفته جلوه خصال حمیده را در آینه قلب کودک مستعد خویش منعکس ساخت و فرزند را مصمم کرد که تن و جان و عقل و هوش خود را فدای خیر آمریکا کند. از این جاست که گویند مردان بزرگ آفریده مادران خویش اند. ... در سال ۱۷۸۴ که واشنگتن سلاح بگذاشت و به دیدار مادر شتافت، مادرش او را از ارتفاع مقام و قبول عامی که حاصل کرده بود نستود، فقط به او گفت: فرزند بسیار نیک بختم که تکالیف خویش را چنان که شاید انجام دادی (فارسی؛ سال دوم دبیرستان ۱۳۱۹: ۱۶۸-۱۶۹).

به طور کلی، طرح الگوی «مادر ایدئال» و آموزش نکته‌هایی در حوزه مسئولیت زن خانه‌داری که ویژگی اصلی او مادری و فرزندپروری است، طرح آموزشی غالب بود که تا چند دهه بعد نیز ادامه یافت. طرح نمونه‌هایی از زنان قدرت‌مند تاریخ و نقش مهم آن‌ها در سیاست نیز در کتاب‌های پیش از سال ۱۳۱۷ ش به چشم می‌خورد. برای نمونه، درسی با عنوان «والده سلطان محمد خوارزمشاه، ترکان خاتون» برای دانش‌آموزان طرح شده بود که در آن از قدرت و نفوذ بالای این زن و نقش مهمی که در سیاست زمان خویش ایفا کرد، سخن رفته بود (تدین ۱۳۱۱: ۸۰-۸۲).

۲.۴ آموزش خانه‌داری

از جمله مواد درسی تعیین شده برای دختران در مقطع دبیرستان واحد خانه‌داری بود. این درس تمام امور مرتبط با منزل را در بر می‌گرفت که شامل آموزش‌هایی نظیر بچه‌داری، شوهرداری، خیاطی، پرستاری، نظافت منزل، و ... بود و در آن کلیه ایدئال‌های لازم در زمینه امور خانه‌داری و زن مدرن آموزش داده می‌شد. هدف تعلیمات خانه‌داری تربیت افرادی بیان می‌شد که با فراگرفتن آیین زندگی بتوانند وسایل آسایش و آرامش خود و خانواده خود را فراهم آورند و در نتیجه سعادت اجتماع را تأمین کنند (ماه‌نامه آموزش و پرورش ۱۳۳۷: ش ۱۰، ۹۸). بدرالملوک بامداد، از بنیان فرهنگی عصر رضاشاه، نخستین کتاب درسی را در درس خانه‌داری نوشت. وی در مقدمه کتاب خود در این باره می‌نویسد:

از آنجایی که تعلیم خانه‌داری جزو برنامه دبیرستان‌ها منظور گشته و کتابی برای استفاده در دست نبود، بر آن شدم که مطابق اطلاعات محدود خود به وسیله ترجمه و جمع‌آوری از کتب و وسایلی که در کشورهای خارجی به چاپ رسیده است، رساله مختصری در علم خانه‌داری تهیه نمایم (بامداد ۱۳۰۹ الف: مقدمه).

اولین درس این کتاب با عنوان «صفات زن خوب و خانه‌دار»، مهم‌ترین سرفصل آموزشی کتاب محسوب می‌شد؛ زیرا در آن ضرورت آموزش این درس را که نه تنها برای دختران و خانواده‌ها، بلکه برای جامعه مفید قلمداد گشته، تعلیم داده شده بود؛ «تدبیر منزل» یا «علم خانه‌داری» تدابیری عنوان شدند که برای سلامت، خوش‌بختی، و سعادت خانواده‌ها و جامعه لازم و ضروری بودند. «مادر خوب» موظف بود، با تربیت فرزندان «باهوش و فعال» آبادی و جلال مملکت را فراهم آورد. نظم، پیش‌بینی (پس‌انداز)، صرفه‌جویی، و ذوق کار چهار ویژگی اصلی صفات زن خوب و خانه‌دار برشمرده می‌شدند. «زن خوب» با آگاهی از علم اقتصاد، امور مالی، و صرفه‌جویی میان درآمد و هزینه‌های خانواده تعادل و توازن برقرار می‌کرد تا از این طریق، «اوضاع اقتصادی وطن را تأمین و از فقر و فلاکت عمومی جلوگیری کند». چنین زنی می‌بایست، اطلاعات کاملی از مواد غذایی و تأثیرات آن‌ها در بدن کسب می‌کرد تا بتواند در «حفظ‌الصحة» خانواده و جلوگیری از امراض آن‌ها را به‌کار برد؛

زن خانه‌دار باید جامع صفات پسندیده و اطلاعات عدیده بوده، سعی و مراقبت کامل در ادای تکالیف خود داشته باشد. آبادی و جلال مملکت نتیجه کوشش و کفایت افراد آن است. مادر خوب به‌واسطه تربیت اولاد باهوش و فعال بزرگ‌ترین خدمات ملی را انجام می‌دهد. صرفه‌جویی و علم معاشی که در قلمرو حکمرانی خود، یعنی خانه، به‌کار می‌برد، اوضاع اقتصادی وطن را تأمین و از فقر و فلاکت عمومی جلوگیری می‌کند. زن تحصیل‌کرده علوم و اخلاقی که در طی دوره مدرسه فرا گرفته، در منزل، که فی‌الحقیقه میدان آزمایش فکر و لیاقت اوست، مورد استفاده قرار می‌دهد. مثلاً آن‌چه در تشکیلات بدن انسان و تولید میکروب‌ها می‌داند، در حفظ‌الصحة خانواده و جلوگیری از امراض به‌کار می‌برد. شناختن مواد حیوانی و نباتی را در تهیه اغذیه مناسب و طبخ خوب رعایت می‌کند. خواص خصوصی اجسام را در ترکیبات سمی ظروف مطبخ و غیره به‌خاطر می‌آورد (همان: ۴-۵).

بدین ترتیب، خانه محل حکمرانی زنان تعریف گردید. به دختران توصیه می‌شد در تربیت فرزندان اهتمام فراوان ورزند و تاحد امکان بدون دخالت شوهر این مهم را به‌انجام برسانند. افزون‌بر آن، وظیفه اصلی زن فراهم‌کردن آسایش و آرامش شوهر در خانه بیان می‌شد. از این‌رو، یادگیری علم بچه‌داری و شوهرداری برای زنان و خانه‌داران جوان ضروری بود؛ چراکه بدون آمادگی به این مهارت‌ها بنیان خانواده‌ها از هم می‌پاشید (همان: ۱۶).

بدرالملوک بامداد در کتاب دیگری با عنوان تدبیر منزل، که برای دوره دوم دبیرستان‌های دخترانه نوشته بود، پیوسته به دختران جوان گوش‌زد می‌کرد که وظیفه طبیعی آن‌ها «مادری» و

«همسری» است. از این رو، این دو نقش نسبت به سایر نقش‌ها باید در اولویت قرار می‌گرفت. وی مقام و اهمیت زن در خانه را همانند حاکم یک کشور می‌دانست. بدین دلیل، خانم خانه می‌بایست به تمام امور منزل اشراف کامل می‌داشت. بامداد به دختران جوان تأکید می‌کرد که وظایف آن‌ها تنها منحصر به «آش‌پزی و رخت‌شویی»، «آرایش و پیرایش ظاهری» نیست، بلکه زن کارخانه انسان‌سازی است که از طریق او «نهاد دین و اخلاق آبیاری شده» و انسان‌هایی «دانا و توانا» تحویل جامعه می‌گردد. پس، دختران جوان باید خود را به «صفات و ملکات نیکو» زینت می‌بخشیدند و با آموزش «روش آموزش و پرورش» صحیح مربی شایسته‌ای برای فرزندان‌شان می‌شدند (بامداد ۱۳۰۹ ب: ۵-۱۱). افزون‌براین، وظایف زن مدرن تنها به خانه و خانواده محدود نبود، بلکه زن امروزی، همانند مردان به جامعه و میهن خویش علاقه‌مند بوده و مسئولیت‌هایی درقبال آن داشت، حفظ بهداشت عمومی محلات، تنظیم اقتصاد خرد کشور یعنی خانواده، کمک اقتصادی به شوهر از طریق اشتغال در خارج از خانه و در هنگام بروز جنگ، یاری‌رساندن به مردان از طریق پرستاری مجروحان، و سامان‌بخشی به کار شوهران خود از دیگر وظایف زنان محسوب می‌شد (همان: ۵-۸).

باتوجه به اقتضای زمان و نیاز مبرم به نیروی تربیت شده‌ای که قادر باشد، چرخ‌های اقتصادی مملکت را به حرکت درآورد، سیاست‌های افزایش جمعیتی در پیش گرفته شد. از همین رو، در کتاب‌های درسی، دختران را به فرزندآوری تشویق و آنان را به این مهم آگاه می‌ساختند؛

یک ملت و جامعه برای این‌که با سایرین هم‌سنگ و برابر باشد و بتواند آبادی و رونق کشور را فراهم نماید، بایستی در زیادکردن نفرات بکوشد. افزایش زایمان و کم‌شدن متوفیات نیز مربوط به اراده زن است. مادرها می‌توانند به داشتن اولاد زیاد افتخار بکنند و روش پرورش آن‌ها را بیاموزند و به‌کار برند. با رعایت بهداشت از بروز بیماری‌ها جلوگیری کنند. با آموختن فن پرستاری در بهبودی بیماران کوشش داشته باشند، به‌علاوه تربیت طفل به‌طوری‌که علاقه‌مند به آب‌و‌خاک خودش باشد، وظیفه اجتماعی مادر است (همان: ۷).

صرفه‌جویی، قناعت، و پرهیز از تجمل از مباحث مهمی بود که پیوسته در کتاب‌های خانه‌داری به دختران جوان توصیه می‌شد. در تمامی سرفصل‌های آموزشی کتاب‌های خانه‌داری ضرورت انجام صرفه‌جویی تذکر داده شده بود. در این درس‌ها تکنیک‌هایی برای چگونگی انجام صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری خانه، مواد غذایی، و پس‌انداز آموزش داده شده بود و

مهم‌ترین فایده صرفه‌جویی و قناعت کمک به شوهر و کشور دانسته می‌شد (جوادی ۱۳۱۶: ۱۲۷-۱۳۱). خانه‌داری مجموع انتظامات داخلی خانه عنوان می‌شد که مدیر آن یعنی خانم خانه، برحسب اقتضای زمان و خانه و احتیاجات خانواده، آن‌ها را تأمین و حفظ می‌کند:

هیچ زنی شایسته مقام و نام کدبانو و خاتون خانه، که به معنی بزرگ و مدیر خانه است، نخواهد بود، مگر وقتی که به وظایف خود آشنا باشد و از عهده اداره کردن خانه برآید. مجموع این وظایف را دستور خانه‌داری گویند و برای این که کدبانوی خانه بتواند آن‌ها را به موقع به اجرا گذاشته و از عهده اداره کردن خانه برآید باید دارای صفات ذیل باشد: ۱. سادگی که مستلزم صرفه‌جویی است، ۲. گذشت و گشاده‌رویی با مراقبت کامل، ۳. ذوق کار یا عشق به کار که مستلزم اصالت رأی و حسن تدبیر است، ۴. اعتدال یا سیاست منزل، ۵. معرفت به اصول خانه‌داری و تربیت اطفال (همان: ۱).

نظم از مهم‌ترین ویژگی‌های یک زن خوب تعریف می‌شد که تأثیر آن در ابعاد کشوری و حکومتی ملموس بود؛ زیرا تا حکومت‌های کوچک خانوادگی تحت انتظام نباشند، دوایر دولتی نظم و ترتیب نمی‌گیرند و نقش زن در ایجاد این انتظام بسیار مهم و حیاتی قلمداد می‌شد (بامداد ۱۳۱۰: ۳۵). عفت، عصمت، و حجب و حیا از دیگر ویژگی‌های صفت انتظام در خانم‌ها بودند؛

یقین است که عموم محصلات اهمیت زن را در عائله بشری دانسته و محض همین است که به مدرسه آمده، کوشش دارند که خود را مهیای احراز مقام بزرگ مادری و مدیریت خانواده‌ها بنمایند؛ سایر دروس مدرسه نیز عقیده شما را راجع به اهمیت زن تأیید نموده، تکالیف مقدسی که در آینده عهده‌دار خواهید شد به شما می‌آموزد ... دختر جوان به زودی مدیره خانه و مادر گشته، شغل مهم و مسئولیت بزرگی را عهده دار می‌شود ... نظر به همین بزرگی مقام زن است که قرن حاضر وسایل تربیت دختران را با نیکوترین وجهی فراهم داشته کتب و مجلات زیادی منادی آگاهی مادران‌اند .. برای این که قدم‌های بلندی در ترقی و تعالی برداشته و پیشوای نهضت زنان عصر خود باشیم و موانعی که در این راه موجود است مرتفع کنیم، بی‌اندازه به پاکی و متانت و حفظ آبرو و عفت خود احتیاج داریم تا عملاً نشان دهیم که زن باید دانشمند باشد تا شئون اجتماعی و شرف و عزت خود را حراست کند (همان: ۵۶-۵۸).

دیگر سرفصل‌های درسی این کتاب‌ها شامل آموزش راه‌کارهایی در امور مالی و اقتصادی خانه برای تنظیم بودجه خانه و ایجاد تعادل و توازن میان درآمد و هزینه، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، نحوه نگاه‌داری و نظافت منزل، تهویه منزل، تهیه سوخت خانه، حفظ خانه از حشرات و دفع آن‌ها می‌شد؛ سرفصل‌های آموزشی درباره آشنایی با مواد غذایی سالم و تازه، آموزش

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۷۳

نحوه پخت برخی از خوراک‌های ایرانی و فرنگی، لگه‌گیری و شست‌وشوی اقسام پارچه و اتوکشی، آداب معاشرت، چیدمان منزل، نحوه پذیرایی از میهمان‌ها، نحوه چیدمان میز غذا، و سرو غذا نیز بخش دیگری از مباحث آموزشی به دختران بودند (بامداد ۱۳۰۹ الف: ۱۶ به بعد).

۵. نتیجه‌گیری

ضرورت نوسازی ایران در نزد نخبگان سیاسی و روشن‌فکران موجب استقرار سلسله پهلوی شد. در نتیجه، زنان به‌عنوان یکی از ارکان این پروژه موضوعیت یافتند و مسئله آنان در بعد ظاهری، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، و خانوادگی مورد توجه بسیار دولت قرار گرفت. به دنبال آن، آموزش زنان به‌عنوان یگانه راه ایجاد دگرگونی در وجوه مختلف زندگی آنان شناسایی شد و برنامه‌های آموزشی مطابق با اهداف و ایده‌های حکومت تازه مستقر طرح‌ریزی، هدف‌گذاری، و اجرا شد. در نتیجه، صورت‌بندی جدیدی از زن ایدئال ترسیم شد که بر مبنای مؤلفه‌ها و ایده‌های پروژه نوسازی ایران و هم‌سو با وحدت‌سازی، ملت‌سازی، و دولت‌سازی مدرن و مبتنی بر اندیشه «آزادسازی زنان» بود.

بیش‌ترین و مهم‌ترین نقش، جایگاه، و موقعیتی که زن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه دوره رضاشاه به خود اختصاص داده بود، «مادر» است. در واقع، برترین جلوه زن ایدئال در ساختار نوین ایران «مادر» بود. مادر و همسر ایدئال به‌عنوان عالی‌ترین مفاهیمی بودند که در کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بازتعریف نقش زن به‌مثابه مادر و همسر ایدئال در قالب نقش سستی زنان اما با رویکردهایی نوین ارائه شد. از این رو، بخش قابل‌توجهی از متون درسی در توصیف و ترسیم چنین زنی تدوین شد. برترین جلوه «مادر ایدئال» میهن‌دوستی و شاه‌پرستی او بود؛ مادری که حاضر بود در راه میهن محبوب خویش فرزندان را فدا کند و هم اوست که عشق به میهن را در نهاد فرزندان استوار می‌سازد. افزون‌بر این، «مادر ایدئال» مادری بود آگاه به علوم روز در باب بچه‌داری و فرزندپروری. چنین مادری می‌بایست اطلاعات علمی کاملی از بهداشت دوران بارداری، زایمان، و نحوه پرورش علمی کودک (تغذیه، بهداشت، لباس، و رفتار و امراض کودک) داشته باشد.

بخش دیگر حوزه فعالیت زن ایدئال به همسر‌داری معطوف بود. معیارهای «همسر ایدئال» از دیگر موضوعاتی است که در کتاب‌های درسی پیوسته بدان پرداخته شده بود. جذاب‌کردن کانون خانواده و تبدیل آن به مکان آسایش و آرامش مرد وظیفه زن ایدئال بود. از این رو، چنین زنی می‌بایست اطلاعاتی درباره اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران و جهان می‌دانست و به اخبار

روز آگاه می‌بود تا بتواند هم‌دم شایسته‌ای برای شوهرش باشد. ازطرفی، این مسئله نیازمند داشتن مهارت در آشپزی، خیاطی، نظافت منزل، چیدمان منزل، آداب معاشرت، و آراستگی بود. این زن مزین به صفاتی چون نظم، وقت‌شناسی، تدبیر، صبر، گشاده‌رویی، و دوراندیشی برای آینده خانواده، ذوق، و عشق به کار خانه بود و با آگاهی از علم اقتصاد و صرفه‌جویی در هزینه‌های منزل به همسر خود کمک می‌کرد و بدین ترتیب در بهبود اوضاع اقتصادی کشور نیز تلاش کرده بود.

کتاب‌نامه

- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۹۳)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- بامداد، بدرالملوک (بی‌تا)، *هدف پرورش زنان*، تهران: شرکت مطبوعات.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۰۹ الف)، *خانه‌داری؛ دوره دوم دبیرستان‌های دخترانه*، بی‌جا: بی‌نا.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۰۹ ب)، *تدبیر منزل و دستور بچه‌داری؛ مخصوص محصلات مدارس متوسطه نسوان و خانه‌داران جوان*، بی‌جا: بی‌نا.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۱۰)، *اخلاق برای محصلات سال سوم مدارس متوسطه*، تهران: بی‌نا.
- بولتن هفتگی سازمان زنان ایران (۲۵۳۶)، ۴۸۸.
- بیگلدر، رضا (۱۳۸۰)، *باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران*، تهران: مرکز.
- پارسای، فرخ‌رو (۱۳۴۶)، *زن در ایران باستان*، تهران: شرکت سهامی افست.
- پهلوی، محمدرضا (بی‌تا)، *رضاشاه کبیر*، بی‌جا: بی‌نا.
- تدین، محمد (۱۳۱۱)، *نخبة الادب؛ محض سال ششم علمی مدارس متوسطه*، تهران: مجلس.
- «تربیت دختران» (۱۳۱۵)، *ماه‌نامه تعلیم و تربیت*، ۱۲.
- «تربیت زن و وظایف اجتماعی او» (۱۳۱۴)، *ماه‌نامه تعلیم و تربیت*، ش ۵ و ۶.
- «تعلیمات خانه‌داری در اروپا و آمریکا» (۱۳۱۳)، *ماه‌نامه تعلیم و تربیت*، ش ۶.
- جوادی، تارا (۱۳۱۶)، *آسایش زندگانی و دستور خانه‌داری و بچه‌داری یا تدبیر منزل؛ سال سوم دبیرستان‌های دخترانه*، تهران: آفتاب.
- حامدی، زهرا (۱۳۹۴)، *مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول*، تهران: تاریخ ایران.
- حسینی، مرضیه (۱۴۰۰)، «مادری جدید و آموزش زنان در عصر رضاشاه»، *فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، پیاپی ۱۴۲.

گفتمان مسلط بر نظام آموزشی و متون درسی ... (حسن زندیه و فاطمه سمیعی) ۱۷۵

خاطرات مهرانگیز دولت‌شاهی (طرح تاریخ شفاهی ایران؛ مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد) (۱۳۹۰)، تهران: صفحه سفید.

«رپورت موسیو آندره هس» (۱۳۰۴)، ماهنامه آموزش و پرورش.

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷/۴/۱۶).

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷/۵/۳).

رینگ، م. ا. (۱۳۸۱)، آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجار، ترجمه م. حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

«سخن‌رانی وزیر معارف در دبیرستان شاهپور اهواز» (۱۳۱۴)، ماهنامه تعلیم و تربیت، ۹ و ۱۰.

صدیق، عیسی (۱۳۱۹)، تاریخ مختصر آموزش و پرورش، تهران: شرکت طبع کتاب.

صدیق، عیسی (۱۳۹۷)، ایران مدرن و نظام آموزشی آن، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

صفایی، ابراهیم (۲۵۳۵)، بنیادهای ملی در شهریار رضاشاه کبیر، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

«صورت‌نطق حضرت اشرف، آقای تدین وزیر معارف» (۱۳۰۶)، ماهنامه تعلیم و تربیت، ۷ و ۸.

«صورت‌جلسه اول تربیت‌نسوان» (۱۳۱۵)، ماهنامه تعلیم و تربیت.

طباطبایی، جواد (۱۳۸۳)، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.

طباطبایی، جواد (۱۳۹۹)، ملت، دولت، و حکومت قانون؛ جستار در بیان نص و سنت، تهران: مینوی خرد.

فارسی، سال اول دبیرستان‌ها (۱۳۱۸)، تهران: مجلس.

فارسی، سال دوم دبیرستان‌ها (۱۳۱۹)، تهران: مجلس.

فرویدی، حسین (۱۳۱۹)، فروغ زندگی برای پرورش افکار سال‌مندان و دانش‌آموزان، تهران: بی‌نا.

«قابلیت‌نسوان در تعلیم و تربیت و اهمیت او در جامعه» (۱۳۰۷)، روزنامه اطلاعات، ۵۲۳.

گنجی، منوچهر (تدوین)، (بی‌تا)، گزیده تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت همایون

محمدرضاشاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران درباره آموزش و پرورش، تهران: اداره کل اطلاعات و

انتشارات و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش.

ماهنامه آموزش و پرورش (۱۳۲۱)، ش ۵، ۶، ۷.

ماهنامه آموزش و پرورش (۱۳۳۷)، ش ۱۰.

ماهنامه تعلیم و تربیت (۱۳۱۴)، ش ۵ و ۶، ۹ و ۱۰.

ماهنامه تعلیم و تربیت (۱۳۱۵)، ش ۱، ۱۲.

مجموعه طرح‌های جدید آموزش و پرورش کشور؛ انقلاب اداری و آموزشی اصل دوازدهم انقلاب شاه و

ملت (۱۳۴۶)، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

۱۷۶ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

«مدرسه پیشه‌وری و خانه‌داری» (۱۳۱۴)، ماهنامه تعلیم و تربیت، ۵ و ۶.
مناشری، دیوید (۱۳۹۷)، نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن، ترجمه عرفان مصلح، تهران: حکمت.
«نطق جناب آقای حکمت، وزیر معارف در جشن معارفی عراق» (۱۳۱۴)، ماهنامه تعلیم و تربیت، ۹ و ۱۰.
«نطق جناب آقای وزیر معارف در جشن ورزش خرم‌آباد» (۱۳۱۴)، ماهنامه تعلیم و تربیت، ۹ و ۱۰.
نفیسی، سعید (بی‌تا)، تاریخ معاصر ایران از ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ۱۳۲۰، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.